

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶، تابستان ۱۳۹۴

بررسی روند تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی ۱۳۳۷

حسن زندیه^۱

محمدعلی منفرد^۲

مسعود آدینه‌وند^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۲/۱۷

چکیده

از ویژگی‌های حکومت پهلوی دوم تعدد و تکثر نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی- امنیتی بود و اصولاً این امر جدای از ضرورت وجود چنین سازمان‌هایی برای مملکت‌داری، از ترس و بدگمانی محمدرضا شاه به سیاست‌مردان و نهادهای دولتی مایه می‌گرفت. سازمان بازرسی شاهنشاهی از مهم‌ترین این مکانیسم‌ها بود که در اوایل مهر ۱۳۳۷ تأسیس شد و برای اطلاع شاه از اخبار و روی‌دادهای کشور و وضعیت مناطق مختلف شروع به کار کرد. با

^۱ Zandiyehh@ut.ac.ir

^۲ monfaredd@gmail.com

^۳ masoud.adineh66@yahoo.com

تأسیس این سازمان که یکی از پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و واکنشی به فساد و ناکارآمدی داخلی به‌شمار می‌رفت، وظایف نامحدودی به آن محول شد و ریاست آن نیز به افراد مورد اعتماد رژیم پهلوی (یزدان‌پناه و فردوست) واگذار شد.

در این مقاله با استفاده روش تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی و کتاب‌خانه‌ای، به ترسیم وضعیت کشور بعد از کودتا، زمینه‌ها و روند تأسیس سازمان مذکور و اقدامات دولت در این زمینه می‌پردازیم و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم: تأسیس بازرسی شاهنشاهی نتیجه چه شرایطی بود؟ این سازمان چرا به‌وجود آمد؟

براساس دستاوردهای پژوهش، تشکیل این سازمان کوچک در دهه نآرام ۱۳۳۰ به‌رغم اختیارات نامحدود و اقدامات فراوانی که انجام داد، نشانه‌ای دیگر از تمامیت‌خواهی محمدرضاشاه، تلاش برای کنترل همه‌جانبه کشور، و ناکارآمدی و عدم تمرکز نهاد بازرسی در این دوره است.

واژه‌های کلیدی: محمدرضاشاه، کودتای ۲۸ مرداد، سازمان

بازرسی شاهنشاهی، فساد اداری.

۱. مقدمه

در حکومت پهلوی مانند هر دوره‌ای، سیاست‌های امنیتی - نظامی و نهاد بازرسی با توجه به کارکردهای آن برای استقرار آرامش، سرکوب مخالفان، اطلاع از امور داخلی و نظارت بر سلامتی نظام اداری همواره وجود داشته است. بعد از مشروطیت تا عصر رضاشاه، دامنه اختیار بازرسی و نظارت بیشتر بر امور مالی وزارت‌خانه‌ها محدود می‌شد (لوح فشرده حق، قانون مصوب هیئت وزرا در تاریخ ۱۳۰/۱/۱۲۹۴ق) و بازرسی بیشتر وظیفه نهادهای امنیتی همچون نظمیّه (شهربانی) و پلیس بود. در سلطنت رضاشاه و بعد از آن، چندین اداره

نظارت شکل گرفت؛ از جمله «سازمان تفتیش و بازرسی» برای نظارت بر امور قضایی و مالی ادارات و بازرسی عمل کرد آن‌ها (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۲۰۰)، هیئت تفتیشیه مملکتی (۱۳۰۸)، تفتیش کل مملکت (۱۳۱۳)، سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۱۵)، بازرسی کل نخست‌وزیری (۱۳۲۱) و سپس سازمان ساواک (۱۳۳۵)، کوک (۱۳۳۶) و... که وظایفشان تا حد زیادی هم‌پوشانی و اشتراک داشت.

حکومت محمدرضا شاه در واقع بعد از کودتای ضد مصدق (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) آغاز شد و از این به بعد با توجه به ضعف چندین ساله ناشی از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و قدرت‌گیری نهادهای دولتی، همواره تلاش می‌کرد که دوره ضعف دهه قبل تکرار نشود. ناآرامی‌ها و پاک‌سازی‌های داخلی بعد از کودتا، روحیه ترس و بدبینی را در او به وجود آورده بود؛ بنابراین این مسئله سبب شد تا برای تثبیت رژیم پهلوی، سیاست‌های امنیتی چندگانه‌ای را در پیش بگیرد. این روند همچنان وجود داشت تا اینکه در اواخر دهه ۱۳۳۰ سازمان بازرسی شاهنشاهی تأسیس شد و شاه آن را مسئول نظارت بر امور فساد و چگونگی کار مقامات حکومتی کرد (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۳۲۰). بنابراین، او با هدف اطلاع از اوضاع پایتخت و شهرستان‌ها، وجود مرجعی برای رسیدگی به شکایات، نظارت بر کار ادارات، کارمندان و نهادهای چندگانه دولتی و... فرمان شکل‌گیری سازمان را صادر کرد و قدرت و وظایف نامحدودی به آن اختصاص داد.

درباره حکومت پهلوی کتاب‌ها و مقالات فراوانی موجود است؛ ولی بررسی ساختار اداری و بسیاری از جوانب بوروکراسی مورد غفلت واقع شده؛ از جمله علل و زمینه‌های تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی که تاکنون در پژوهش‌های تاریخی به‌طور مستقل بررسی نشده است. در این زمینه اشارات کتاب‌های خاطرات سیاست‌مردانی همچون فردوست، صمیمی، ثابتی و...، مشاهدان خارجی مانند گراهام^۱، هالیدی^۲ و بیل^۳ و آثار تحقیقاتی جدیدتر از کاتوزیان، آبراهامیان، فوران^۴ و... وجود دارد؛ اما این گزارش‌ها از یک سو محدود، تکراری و گاه مبهم‌اند و ارزش یکسانی ندارند و در استفاده از آن‌ها باید

1. R. Graham
2. Halliday
3. Bill
4. Furan

توجه کرد که نویسندگان در چه شرایطی دست به قلم زده‌اند و از سوی دیگر سال تأسیس سازمان را ۱۳۴۷ معرفی کرده و به علل شکل‌گیری آن در دههٔ سی اشاره نکرده‌اند. کتاب‌هایی هم که در دورهٔ پهلوی نوشته شده‌اند، همچون سیری در تاریخ شاهنشاهی تألیف حسین میرخلف‌زاده، در فصلی به اقدامات مفید سازمان پرداخته و به روند و علل شکل‌گیری بازرسی شاهنشاهی اشاره نکرده‌اند. اسناد فراوانی هم در این زمینه موجود است که هر چند از اعتبار بیشتری برخوردارند، محتوای این منابع بیشتر مربوط به عمل کرد سازمان در دورهٔ بعد از شکل‌گیری آن است و اسناد زیادی دربارهٔ روند تأسیس سازمان نام‌برده و چگونگی اتخاذ این سیاست در دست نیست. بنابراین، فقدان پژوهشی مجزا دربارهٔ این سازمان انگیزه‌ای شد برای نگارش مقالهٔ حاضر تا با استفاده از منابع یادشده، علل و فرایند شکل‌گیری بازرسی شاهنشاهی در دههٔ ۱۳۳۰ به‌دقت بررسی شود.

۲. اوضاع داخلی ایران در دههٔ ۱۳۳۰ با تأکید بر سیاست‌های امنیتی

از مهم‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران دههٔ ۱۳۳۰ بود که پس از یک دروهٔ گذار در سلطنت پهلوی شروع شد. آغازگر این دهه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که می‌توان آن را مرز بین ضعف و قدرت رژیم پهلوی دوم به‌شمار آورد. درباب این روی‌داد بزرگ نظریات متفاوت و متضادی بیان شده است؛ برخی محققان از جمله آبراهامیان و ذبیح بر نقش عوامل داخلی (اشتباهات دکتر مصدق یا تقویت روزافزون محافظه‌کاران مخالف و...)، کسانی همچون گازیوروسکی^۱ به عناصر خارجی به‌ویژه آمریکا و معدودی از صاحب‌نظران مانند کدی^۲ و کاتوزیان بر اهمیت هر دو عامل تأکید کرده‌اند (فوران، ۱۳۸۸: ۴۳۸). بنابراین، بهتر است گفته شود این کودتا نتیجهٔ عوامل داخلی و خارجی بود.

پهلوی دوم بلافاصله بعد از این حادثه با کشورهای خارجی رابطه برقرار کرد و با افزایش نفوذ آن‌ها، برای سلطهٔ بیشتر بر کشور کوشید. بهترین نماد این تلاش، تأسیس ساواک بود که در نتیجهٔ همکاری‌های اطلاعاتی با این کشورها و به پیش‌نهاد آن‌ها برپا شد. لایحهٔ تصویب‌شدهٔ مجلس سنا در بهمن ۱۳۳۵ به کمیسیون دادگستری و از آنجا به مجلس

1. Gasiorowski

2. Keddie

شورای ملی ارائه و در تاریخ ۱۳۳۵/۱۲/۲۳ تصویب شد (مرکز اسناد ملی، ش بازیابی ۹۱/۲۹۳/۲۷۰۱). لزوم شناسایی و حذف مخالفان داخلی (کمونیست‌ها و طرف‌داران جبهه ملی) شاه را بیشتر به غرب نزدیک می‌کرد. دو سازمان خارجی که با ساواک همکاری می‌کردند، سیا و موساد بودند و اگر ساواک می‌خواست «چشم و گوش»^۱ شاه باشد، مغز آن بدون شک آمریکا خواهد بود (فاروقی و لورویه، ۱۳۵۸: ۱۴۳). بنابراین نزدیکی به غرب و یاری آن‌ها، رژیم را بیشتر تحریک می‌کرد که تسلط بیشتری بر جامعه داشته باشد؛ جامعه‌ای که عناصر چپ و گروه‌های وابسته به جبهه ملی و طرف‌دار مصدق نیز در آن قرار داشتند. ذکر این موارد به‌خوبی نشان می‌دهد که فضای امنیتی کشور بعد از کودتا با دهه قبل از آن تفاوت داشت.

محمدرضا شاه بعد از کودتا، قدرت و اقداماتش را از جایی که پدرش در ۱۳۲۰ متوقف کرده بود، ادامه داد (آبراهامیان، ۱۳۸۹ ب: ۲۲۵)؛ بنابراین سعی کرد قدرتی همچون پدرش به‌دست آورد و بر اوضاع داخلی مسلط شود؛ از همین رو یکی از راه‌های تحقق این مهم را توجه به سازمان‌های کنترل‌گر می‌دانست. تغییراتی که در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رخ داده بود، به‌سمت ایجاد یک نظام اطلاعاتی پیش رفت که به‌عنوان ابزاری برای تثبیت عمر رژیم مورد استفاده قرار گرفت (فردوست، ۱۳۸۶: ۳۹۳/۱). در واقع، شاه از ۱۳۳۵ به‌بعد می‌خواست بی‌سروصدا و هرچه بیشتر قدرت کشور را در دست خود بگیرد و مداخله گسترده‌تری در سیاست و کارهای مملکت داشته باشد. گرچه تا این زمان ساواک را جای‌گزین سرویس‌های امنیتی - اطلاعاتی قدیمی کرده بود (لاینگ، ۱۳۷۱: ۲۲۱)، او این ارگان را کافی نمی‌دانست و برای نظارت بیشتر و اطلاع از گوشه و کنار کشور، دائماً بر وسعت این قبیل سازمان‌ها می‌افزود و در چنین شرایطی بود که سازمان بازرسی شاهنشاهی را به‌عنوان یکی دیگر از آخرین حلقه‌های زنجیره سازمان‌های نظامی و امنیتی رژیم تأسیس

۱. «چشم و گوش» شاه سازمانی منتسب به داریوش یکم هخامنشی بود می‌باشد. در عصر پهلوی به‌منظور باستان‌گرایی و به تقلید از ایران باستان، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی را «چشم و گوش» می‌خواندند. در آن زمان نیز، امور و اقدامات ساتراپ‌ها زیر نظر مأموران چشم و گوش شاه قرار داشت و شاه به‌وسیله آن‌ها از ولایات مطلع می‌شد. او با نظارت مالیاتی رعیت را از استثمار ساتراپ‌ها در امان نگه می‌داشت. حفظ این نظارت به یک شبکه منظم نیاز داشت که به‌وسیله چشم و گوش شاه تأمین می‌شد (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱/۱۵۱).

کرد. به وجود آمدن این سازمان البته معلول علل چندگانه‌ای بود که در زیر به اهم آن‌ها اشاره می‌شود.

۳. علل و زمینه‌های تأسیس بازرسی شاهنشاهی

۳-۱. شیوع فساد در بخش‌های مختلف کشور

وجود فساد در شکل‌های مختلف علت مهمی بود که در تأسیس سازمان بازرسی نقش داشت و به اقتضای موضوع، به آن اشاره می‌شود. از مهم‌ترین پدیده‌های عصر محمدرضا شاه به‌ویژه در اواخر دهه ۱۳۳۰، شیوع فساد و سوء استفاده در قسمت‌های مختلف کشور (دربار، سازمان‌ها و ادارات دولتی و حتی بخش خصوصی) بود و مقابله با این معضل دغدغه برخی سیاست‌مردان به‌شمار می‌رفت. فساد اداری به‌ویژه اختلاس و رشوه‌خواری افزایش یافت. بحران اقتصادی- مالی در عصر منوچهر اقبال (این سازمان در عصر او تأسیس شد) روزبه‌روز تشدید می‌شد و وزارت‌خانه‌های اقتصادی عصر اقبال به مرکزی برای سودجویی صاحب‌نفوذان تنزل داده شد (شاهدی، ۱۳۸۹: ۳۸۰). با این حال، او دائماً از حذف فساد در بخش‌های مختلف کشور صحبت می‌کرد. در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۴۲ افزایش مداوم و آرام قیمت نفت، وام‌های خارجی و رشد دیکتاتوری فساد رسمی را گسترش داد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۶). در این شرایط که درآمد کشور زیاد شده بود، بین افراد فرصت‌طلب جهت حفظ منافع خود رقابت افتاد. سوء استفاده و رشوه‌خواری در بین بسیاری از افراد خاندان حکومتی و سیاست‌مردان در مقایسه با قبل افزایش یافت (دادگر، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۷). بنابراین، حکومت و نوع سیاست‌گذاری آن در میزان فساد سهم زیادی داشت. نکته دیگر این است که تمام کابینه‌ها در سرلوحه برنامه‌های خود از مبارزه با فساد صحبت می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۴/۲). این مشکل علاوه‌بر دربار، در سطح جامعه و ادارات هم به چشم می‌خورد و گران‌فروشی و فساد مالی فقط در بخش خصوصی رواج نداشت؛ بلکه در فروشگاه‌های دولتی هم وجود داشت و ادعای نخست‌وزیر در مهار تورم از حد سخن و تبلیغ فراتر نمی‌رفت و سودجویان بر اثر اهمال و اغماض دولت مجازات نمی‌شدند (خواندنیها، س ۱۹، ش ۸۰: ۵ و ۱۶). دولت طی اقدامات نمایشی و بی‌ثمر،

دزدهای کلان را آزاد گذاشته بود و خرده‌پاها را تعقیب می‌کرد (همان، س ۲۰، ش ۴۶: ۱۱).

نشانه بارز وجود فساد در کشور لایحه معروف به «از کجا آورده‌ای؟» بود که در مهر ۱۳۳۷ تصویب (لوح مشروح قوانین، قانون مصوب ۲۹ مهر ۱۳۳۷) و از آن به‌عنوان ابزاری برای حذف این نارسایی‌ها استفاده شد. خود شاه از این بلای مهلک (فساد فراگیر) مطلع بود و همواره در جلسات عمومی، سخن‌رانی‌ها و در شورای اقتصاد از شیوع فساد و ارتشا ابراز ناراحتی می‌کرد (الموتی، ۱۳۶۹: ۱۰ / ۵۱)؛ از همین رو در ۲۹ مهر ۱۳۳۷ گفت:

دولت لایحه از کجا آورده‌ای را تقدیم مجلس شورای ملی نمود و برطبق آن کلیه کارمندان باید به‌موجب سند و مدرک منشأ ثروت خود را بگویند و دولت دارایی کسانی را که نتوانند راه تحصیل آن را ابراز کنند، ضبط خواهد نمود (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۵: ۲ / ۱۱۸۰).

به‌موجب این قانون تمام کارمندان باید طی دو ماه فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان را اعلام کنند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، جلسه ۲۴۰، سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۳۳۷). او هدف از به‌وجود آوردن این سازمان را ضمن تلاش برای برکناری افراد فاسد، چنین معرفی کرد: «هدف از تأسیس سازمان این بود که روزی برسد در کشور فساد اصولاً وجود نداشته باشد» (مجموعه تألیفات، نطق‌ها، بیانات و...، ۱۳۵۵: ۲ / ۲۳۱۴).

البته، این قانون پس از مدت کوتاهی فراموش شد و بعدها در یکی از مذاکرات مجلس، پزشکپور از این بی‌تأثیری پرده برداشت:

بعد از چندی موضوع لایحه از کجا آورده‌ای مطرح شد و این قانون هنگامی مطرح شد که واقعاً ملت و شاهنشاه ایران خواستار انجام یک تحولات اساسی در سازمان‌های اداری بودند، ولی به‌عقیده من به این کیفیت آن نبود و رخصت دادند که دوباره فتودالیسم اداری سازمان‌ها راه خودش را ادامه بدهد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۲۹، ص ۲۹).

نکته دیگر این است که در آستانه تأسیس سازمان، حجم زیادی از شکایات در موضوعات مختلف (شکایت از بخش خصوصی و دولتی) به دربار می‌رسید و او برای رسیدگی به این شکایات و تظلم‌خواهی‌ها باید اقدام می‌کرد. عرایضی همچون شکایت محمدعلی مؤمنی از یزد درباره طلب خود از ورثه مرحوم اردکانی (مرکز اسناد ملی ایران، ش بازبایی ۱۲/۱/۱۹۸۲۶، ش سند ۲۹۳/۱۲۲۵۷)، نامه فردی به سازمان در ذکر گرفتاری‌های مردم دامغان (همان، ش بازبایی ۱۲/۱/۵۱۲۷۸، ش سند ۲۹۳/۵۹۰۴۵) و موارد زیادی از این قبیل عرایض نشان می‌دهد مردم امیدوار بودند دولت و حکومت آن‌ها به خواسته‌هایشان توجه کند. سخن‌گوی دربار در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه کیهان اظهار کرد:

امروز کشور ما بیست میلیون نفر جمعیت دارد و در این بین عده‌ای هستند که در اثر عدم توجه کارمندان، نسبت به حق آن‌ها تجاوز شده است و یا مورد ظلم واقع شده‌اند [...] این سازمان برای رسیدگی به شکایات مردم کشور ایجاد شده است (روزنامه کیهان، ش ۲۵۹۶،۳۰ مهر ۱۳۳۷: ۱-۲).

بنابراین، نارسایی‌های اداری و کارشکنی بسیاری از سیاست‌مردان زمینه را برای تأسیس بازرسی شاهنشاهی فراهم کرد و پهلوی دوم برای غلبه بر این مشکلات تصمیم گرفت سازمانی زیر نظر خود تأسیس کند. به محض تشکیل آن، سازمان ضمن تنظیم فهرست ادارات تابعه دولت، با مسئولان درباره اسامی مدیران و معاونان آن‌ها مکاتباتی انجام داد (مرکز اسناد ملی ایران، ش سند ۳۸۰/۱۳۹۲). از این رو سازمان یادشده از یک منظر، واکنشی از بالا برای اصلاح ساختار اداری و اجتماعی و مبارزه با فساد و ناکارآمدی به‌شمار می‌رفت و اینکه با رسیدگی به شکایات مردم، نارضایتی آن‌ها را برطرف کند.

۲-۳. محمدرضا شاه و تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی

یکی دیگر از عللی که در تأسیس سازمان بازرسی نقش مهمی داشت، نظر مثبت شاه و موافقت او با این طرح بود و اینکه می‌خواست به سرعت چنین سازمانی را به وجود آورد. او به‌عنوان شخص اول مملکت از مشکلات جامعه آگاه و معتقد بود:

در کشورهای مختلف علاوه بر تشکیلات منظم و مطمئن قضایی و دادگستری که دارند، تشکیلات جدیدی به وجود آمده که مأمور رسیدگی به شکایات مردم از ادارات دولتی و ارائه شکایاتی است که احیاناً در جاهای دیگر به طول می‌انجامد. هدف از تأسیس سازمان بازرسی تسریع در رسیدگی به شکایات مردم است، اگرچه این امر هیچ مسئولیتی از دادگستری را سلب نمی‌کند، بلکه دستگاه قضایی کشور برحسب قانون روزبه‌روز وظایفش مهم‌تر می‌شود (مجموعه تألیفات و ...، ۱۳۵۵: ۵/ ۴۶۰۲).

واقعیت این است که شاه از تمرکز قدرت در دست یک نهاد یا شخص نگران بود و برای نظارت بر نهادهای متعدد و قسمت‌های مختلف کشور، به‌ویژه در ارتش و ادارات، فرمان تأسیس بازرسی شاهنشاهی را صادر کرد و تشکیل سازمان را راه نزدیکی برای نظارت کوتاه‌مدت بر آن‌ها می‌دانست. از سویی، او به وزارت‌خانه‌ها در عرضه اطلاعات صحیح و دقیق در مورد اقتصاد و امور زیربنایی مملکت اعتماد نداشت و برای بررسی علل شکست برنامه‌های توسعه، سازمان مذکور را تشکیل داد (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۷۵) تا از این راه مکانیسمی برای بازرسی و مرجعی برای خبرگیری صحیح به وجود آورد. همچنین، اگرچه تا قبل از تشکیل این سازمان، بازرسی و نظارت وجود داشت، شاه می‌خواست این سازمان مستقیماً زیر نظر او انجام‌وظیفه کند و بازرسی منظم‌تر شود. او در مراسم سلام نوروزی سال ۱۳۳۸ ابراز کرد:

باید به کلیه کارمندان و مسئولین امور دربار تذکر دهم که لازم است بیش از پیش در انجام کارهای خود کوشا باشند؛ چراکه وظایف دربار و سلطنت در کشور ما روزبه‌روز سنگین‌تر می‌شود و سازمان‌های جدیدی به دربار شاهنشاهی اضافه شده که هر کدام می‌تواند در وضع کشور مؤثر باشد (مجموعه تألیفات، نطق‌ها، بیانات و ...، ۱۳۵۵: ۲/ ۲۰۷۳-۷۴).

بنابراین، شاه نیز از مشکلات کشور آگاهی داشت و یکی از علل اصلی تأسیس بازرسی شاهنشاهی نیز همین مسئله بود. اوضاع بحرانی کشور به‌ویژه در اواخر دهه ۱۳۳۰ شاه را به

شدت ترسانده بود و در واقع، او برای از بین بردن مخالفت‌ها و جلوگیری از اعتراضات مردم، دست به چنین اقدامی زد.

۳-۳. کودتای ژنرال ولی‌اله قره‌نی

از دیگر زمینه‌ها و علل کوتاه‌مدت تأسیس بازرسی شاهنشاهی، کودتای یکی از نظامیان عالی‌رتبه بود. این حادثه یک سال پس از تأسیس ساواک اتفاق افتاد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اولین طرح سیاست‌مردان بر ضد پهلوی دوم بود. در دومین سال دولت اقبال (۱۳۳۶)، سرلشکر قره‌نی، رئیس رکن دوم ارتش، درصدد انجام کودتایی ضد شاه برآمد. هدف او این بود که با سرنگونی اقبال (که عاقبت باعث استعفای او نیز شد) دولت ملی و اصلاح‌طلب بر سر کار آورد و شاه را به یک مقام تشریفاتی و غیرمسئول در چارچوب قانون اساسی تبدیل کند (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۴). البته، دربارهٔ انگیزه‌های او از اقدام به چنین کاری، نظرها متفاوت است. این حادثه نشان داد که شاه حتی از سوی کسانی که به وفاداری مشهور بودند نیز تهدید می‌شود.

آمریکا نیز ظاهراً در کودتای قره‌نی نقش داشته است. قره‌نی به وسیلهٔ تمدن‌الملک سجادی به راجر استیونس^۱، سفیر انگلیس، خبر داد قصد کودتا دارد و آمریکایی‌ها با او موافق‌اند و خواستار کمک بریتانیا شد؛ ولی سجادی مخالفت انگلیس با این طرح را به اطلاع او رساند. قره‌نی از اواخر سال ۱۳۳۵ فعالیت‌های خود را علیه رژیم آغاز کرد و کنل یاتسوویچ^۲، رئیس شبکهٔ سیا، نیز از فعالیت‌های او آگاه بود (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/ ۴۸۰-۴۸۱). اگر این گزارش صحت داشته باشد، باید گفت آمریکا گرچه در قدرت‌گیری مجدد شاه سهیم بود و یک پایهٔ کودتای ضدمصدق به‌شمار می‌رفت، هنوز به‌طور کامل حامی او نبود و با نارضایتی از حضور دیگر کشورها و نگرانی از اقدامات جنبش چپ، انتقاداتی از او کرده و چه‌بسا در کودتای قره‌نی نیز با وی همکاری کرده بود. در این زمان، کودتایی با این هدف (سرنگونی پادشاه) در عراق از سوی عبدالکریم قاسم به‌وقوع پیوست که ترس شاه را بیشتر کرد. فردوست اشاره کرده است:

1. Roger Stevens
2. Yatsvvych

آمریکا در این ماجرا نقش داشت؛ ولی نه سفارت، بلکه ایستگاه سیا در آتن در جریان بود و واسطه قره‌نی با آنجا فردی به نام اسفندیار بزرگمهر بود. با کشف ماجرا قره‌نی دستگیر شد، ولی با فشار آمریکا، شاه برخورد شدیدی نکرد و او به سه سال حبس محکوم، ولی بعد از یک سال با وساطت من [فردوست] آزاد شد (فردوست، ۱۳۸۶: ۳۳۰-۳۳۱).

به هر حال، گرچه این نقشه به سرعت کشف و قره‌نی هم دست‌گیر شد، با این حادثه محمدرضا شاه بیشتر به فساد، ناامنی و لزوم مبارزه با این مشکلات پی برد. علت آن هرچه بود، شاه بلافاصله بازرسی شاهنشاهی را به دنبال کودتای نافرجام قره‌نی «برای نظارت بر نیروهای نظامی و انتظامی و جلوگیری از نطفه‌بندی توطئه‌های دیگر» (هلیدی، ۱۳۵۸: ۸۵)، تأسیس کرد. بنابراین، ترس شاه از آن و احتمال بروز چنین حرکتی از سوی افراد به‌ویژه نظامیان، اهمیت کنترل بیشتر بر جامعه را برای او روشن‌تر کرد و او با تأسیس این سازمان وابسته به خود، درصدد پیدا کردن راهی برای نظارت بر جامعه و اطلاع آسان و سریع از جنبه‌های مختلف حکومت به‌ویژه در پایتخت بود؛ شاید به همین دلیل بود که بازرسی شاهنشاهی در شهرستان‌ها شعبه‌ای نداشت و فقط با ارسال هیئت‌هایی از وضعیت آن‌ها آگاه می‌شد.

۳-۴. گسترش دامنه تشکیلات اداری و لزوم نظارت بر آن‌ها

از دیگر زمینه‌ها و علل شکل‌گیری سازمان بازرسی شاهنشاهی این بود که در آن زمان تعداد ادارات کشور، سازمان‌های اطلاعاتی و تشکیلات حکومتی وسعت یافته بود. بعد از کودتا، نهادهای مدرنی در بدنه دولت پدید آمدند و دیگر توسعه ساختار اداری با شیوه پاترمونیالی و سنتی ممکن نبود (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۱۱). درحالی که این توسعه در حکومت‌های قبلی وجود نداشت و با توجه به ویژگی‌ها و شرایط جامعه ایران در دهه سی، برای شخص شاه به‌عنوان رئیس مملکت روشن شده بود که اگر قرار باشد نظام بوروکراسی در جهت سلامتی ادارات و تداوم حکومت عمل کند، باید از نحوه کار ادارات مطلع باشد و او برای کنترل و نظارت بر نخبگان (سیاست‌مردان، روشن‌فکران، مدیران

و...) بازرسی شاهنشاهی را تأسیس کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹ ب: ۲۳۰). همچنین، اگرچه چندین مرجع وجود داشت که وظیفه بازرسی و نظارت را به شکل‌های مختلف انجام می‌داد (همچون بازرسی کل کشور و ساواک، رکن ۲ و...)، شاه می‌خواست نهادی این وظیفه را برعهده گیرد که فراتر از این‌ها عمل کرده، به آسانی بر هر اداره و سازمان و صاحب‌منصبی نظارت کند.

بازرسی شاهنشاهی سازمانی وابسته به دربار بود و مبنای قانونی نداشت و طبق امیال شاه عمل می‌کرد. او به سرویس‌های رسمی خود اعتماد نداشت و می‌خواست ساواک را نیز تحت نظر بگیرد؛ پس یک سوپر ساواک تأسیس کرد (امیرعلایی، ۱۳۶۱: ۴۱۱)؛ بنابراین مسئله نظارت بر کار دیگر ارکان جامعه هم بر شکل‌گیری بازرسی شاهنشاهی تأثیر زیادی داشت. رابرت گراهام این سازمان را جزو یکی از سازمان‌های خلاف قانون اساسی معرفی کرده که بدون نظر نمایندگان مجلس تشکیل شده است (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۷۳)؛ بنابراین در تأسیس این سازمان نماینده و فرد خاصی دخالت نداشت و صرفاً با فرمان شاه به وجود آمد. ولی در دور دوم قانون آن به تصویب رسید که در زیر اشاره می‌شود. بنابراین، نه به‌عنوان یک سازمان وابسته درباری، بلکه به‌عنوان سازمانی دولتی برپایه قانون شناخته می‌شد.

لزوم نظارت بر قسمت‌های اداری و تلاش برای تضمین سلامتی نظام بوروکراسی رو به گسترش، بدون شک در تأسیس بازرسی شاهنشاهی نقش داشت. فصل ششم اساس‌نامه بازرسی شاهنشاهی آن را سازمانی ناظر بر امور فساد، رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و سیاست‌مردان، چگونگی کار مقامات حکومتی و همکاری با سازمان معرفی کرد (اساس‌نامه و آیین‌نامه...، ماده ششم). بنابراین، بازرسی شاهنشاهی از یک منظر، تلاش برای کنترل قسمت‌های مختلف کشور و ادارات متعدد بود.

۴. کشورهای خارجی و تأسیس بازرسی شاهنشاهی

بعد از کودتای ضد‌مصدق، روابط با غرب دوباره برقرار و حتی بیش از قبل شد. این بار آمریکا به صحنه آمد. گرچه اندکی قبل از دهه سی، جانشین بریتانیا در ایران شده بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۵۱۶/۱)، با انجام کودتا روابط وارد عرصه سیاسی شد. پس از آنکه

دالس^۱، وزیر امور خارجه آمریکا، پشتیبانی خود را از نظریات ایدن^۲، وزیر امور خارجه انگلستان، برای توجه به ایران اعلام کرد، مذاکرات ایران و انگلیس به سرعت پیش رفت و در ۱۴ آذر ۱۳۳۲ بیانیه‌ای رسمی در لندن و تهران، خبر تجدید روابط را انتشار داد (افراسیابی، ۱۳۶۴: ۲۲). بنابراین، آمریکا و انگلیس بیش از پیش در امور داخلی ایران به ویژه در امور اقتصادی و نظامی مداخله کردند.

یک جنبه مهم روابط در زمینه امور و مسائل مربوط به سازمان‌ها و نهادها اطلاعاتی و خبرگیری بود و مهم‌ترین علامت آن شکل‌گیری ساواک به‌شمار می‌رفت که الگو و نقشه آن از غرب وارد کشور شد. با این حال، در مورد نقش مستقیم عوامل خارجی در تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی در منابع سخنی گفته نشده است. احتمال می‌رود به سبب ارتباطات نزدیک و الگوپذیری ایران از غرب، آن‌ها در این مورد نیز، همچون تأسیس ساواک، اثرگذار باشند؛ ولی سند و مدرکی دال بر نقش آن‌ها در تأسیس بازرسی شاهنشاهی یا پیش‌نهاد برپایی چنین سازمانی به شاه - با وجود جست‌وجوی اسناد و منابع موجود - تاکنون به دست نیامده است؛ بنابراین در این زمینه نمی‌توان با قطعیت سخن گفت؛ گرچه اصولاً پدیده دیوان‌سالاری مدرن محصول دنیای غرب است.

در خور ذکر است در حوادثی همچون کودتای قره‌نی، آمریکایی‌ها نقش داشته‌اند و به سبب رقابت با انگلیس، طرح دیکتاتوری نظامی او را در سر می‌پروراندند (فردوست، ۱۳۸۶: ۱/ ۵۳۰). بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه بیشتر کوشید تا اعتماد آمریکایی‌ها را به خود جلب کند؛ زیرا به آن‌ها نیاز داشت؛ بنابراین لزوم مقابله با این ناآرامی‌ها که کشورهای خارجی گاه در آن دست داشتند، انگیزه شاه را در تأسیس بازرسی شاهنشاهی دوچندان کرد. محمدرضا شاه اذعان می‌کند:

می‌توان این سازمان را به سازمان سوئدی رسیدگی به شکایات (ombudsman) تشبیه کرد. جمعی از افراد پاک‌دامن که مستقیماً به من جواب‌گو بودند به سراسر کشور سفر می‌کردند و مراقب بودند تا به مشکلات و نارسایی‌ها پی‌برند. همه ایرانیان می‌توانند به بازرسان مراجعه کنند و بی‌عدالتی یا تأخیر در تحقق پروژه‌ای

1. Dulles
2. Eden

ملی یا محلی و یا بی‌نظمی در کاربرد مالیه عمومی را به آن‌ها گزارش دهد
(پهلوی، ۱۳۷۱: ۲۲۹).

این سخن نشانه اطلاع شاه از چنین سازمانی در خارج از ایران است که در این زمان او می‌خواست سازمانی مشابه آن را در کشور تأسیس کند؛ گرچه شواهدی از این تأثیرپذیری (الگوگیری از سازمان سوئدی) در دست نیست.

۵. تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی

با توجه به این علل و زمینه‌ها و در نتیجه، شرایطی که در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر کشور حاکم شده بود، شاه در اواسط سال ۱۳۳۷ (در کابینه منوچهر اقبال) فرمان تشکیل سازمان را با این مضمون صادر کرد:

به‌منظور رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و دوائر و مأمورین دولتی اعم از کشوری و لشکری و قضایی و همچنین شهرداری‌ها و بنگاه‌های عمومی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است، لازم می‌دانیم سازمانی به‌نام سازمان بازرسی شاهنشاهی تشکیل شود تا به عرایض و شکایاتی که به ما می‌رسد در اسرع اوقات رسیدگی و نتیجه را از نظر ما بگذرانند (فرمان همایونی مندرج در اساس‌نامه و آیین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، مهر ۱۳۳۷).

قبل از توضیح درباره چگونگی تأسیس سازمان، باید گفت این سازمان دو بار تأسیس شد و از ابتدا تا انقلاب ۱۳۵۷ دو مرحله را پشت سر گذاشت: مرحله اول از مهر ۱۳۳۷ تا زمان نخست‌وزیری دکتر علی‌امینی (۱۳۴۰) است. در این مرحله، به‌سبب نداشتن مبنای قانونی و هم به این دلیل که او برنامه مبارزه با فساد و اجرای صرفه‌جویی عمومی را در سرلوحه اقداماتش قرار داده بود، ناگزیر این سازمان را - که یک هزینه اضافی و تحمیلی به کشور می‌دانست و از سوی دیگر سازمان نیز در انجام وظایفش از جمله حذف فساد، موفقیت چندانی نداشت - منحل کرد که این وقفه شش سال به طول انجامید (میرخلف‌زاده،

۱۳۵۵: ۳۶۵). از این به بعد تا سال ۱۳۴۷^۱، با یک وقفه مواجه شد و دوباره سازمان مذکور تأسیس شد؛ ابتدا در مجلس سنا (مورخ ۱۳۴۷/۲/۱۶) و سپس شورای ملی (قانون مصوب مجلس شورای ملی در ۳۱ اردیبهشت ۴۷؛ مرکز اسناد ملی ایران، شماره سند ۳۴۰/۶۲۱۳). فعالیت این سازمان در مرحله دوم با داشتن وجهه قانونی و تأیید شده به وسیله نمایندگان مجلس، از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ به طول انجامید.

در پی صدور فرمان تأسیس سازمان بازرسی، در اواخر مهر سال ۱۳۳۷ بازرسی شاهنشاهی تأسیس (اطلاعات، سال ۳۳، شماره ۹۷۴۳، چهارشنبه، ۳۰/۴/۳۷، ص ۱) و کمی بعد اساس نامه و آیین نامه آن تنظیم شد که هیئت وزرا مواد چندگانه‌ای از آن را در تاریخ ۱۳۳۷/۸/۲۸ تصویب کردند (اساس نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، فصل اول، ص ۳). اساس نامه سازمان شامل ۸ ماده بود که در تاریخ ۱۳۳۷/۹/۲ تهیه شد (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازیابی ۲۴۰/۱۵۳۷، شماره سند ۲۴۰/۱۵۳۷). درباره نقش مجلس باید گفت در مورد تأسیس این سازمان در دور اول (سال ۱۳۳۷) بحث و مذاکره‌ای بین نمایندگان مجلس صورت نگرفت؛ زیرا فرمان تأسیس آن برای تصویب و تأیید به مجلس برده نشد و در دربار به وجود آمد و بدون اینکه تبلیغات زیادی درباره تأسیس آن صورت گیرد، بلافاصله شروع به کار کرد. شاه بازرسی شاهنشاهی را نهادی خصوصی مربوط به خود می دانست و در یکی از سخنرانی‌هایش خطاب به رؤسای سازمان ضمن اشاره به سوابق و خدماتشان گفته بود: «برای آنکه بازرسی شاهنشاهی وظیفه اصلی خود را انجام دهد، باید منطبق بر سلیقه و فکر من و چیزی که بدان اعتقاد دارم، باشد» (مجموعه تألیفات، نطق‌ها ...، ۱۳۵۵: ۴۶۰۱-۴۶۰۲).

بعد از این، سازمان فعالیت خود را زیر نظر سپهبد مرتضی یزدان‌پناه^۲ آغاز کرد. پهلوی دوم به وسیله این سازمان می‌خواست راه میان‌بری ایجاد کند تا به سرعت از اخبار و تحولات

۱. محمدرضا شاه بعد از اعلام برنامه انقلاب سفید، برای احیای قدرت خود، تصمیم به تأسیس مجدد سازمان بازرسی شاهنشاهی گرفت. وی هدف خود از این اقدام را تلاش برای رسیدگی به شکایات مردم، بازرسی ادارات، برقراری عدالت و... معرفی کرد (اورنگ، ۱۳۴۷: ۲۷۵-۲۷۶).

۲. سازمان بازرسی شاهنشاهی دو رئیس داشت که هر دو از نظامیان طرفدار رژیم به‌شمار می‌رفتند؛ اولی یزدان‌پناه بود و پس از مرگ او در ۱۳۵۱، حسین فردوست، دوست دوران کودکی شاه، به ریاست سازمان رسید. اکثر اعضا و هیئت‌های بازرسی

درونی کشور و به‌ویژه پایتخت مطلع شود؛ از همین رو اختیارات نامحدودی به آن واگذار کرد. در ادامه، به وظایف سازمان اشاره‌ای گذرا می‌شود تا نشان داده شود که او تا چه حد به آن امید داشت.

۶. جایگاه و وظایف بازرسی شاهنشاهی در ساختار اداری پهلوی

چنان‌که گفته شد، بازرسی شاهنشاهی سازمانی وابسته به شاه پهلوی بود که برای نظارت بر ارکان مختلف حکومت به‌وجود آمد. این سازمان تقلیدی از هیئت تفتیشیه مملکتی^۱ دوره رضاشاه بود که بازرسان گزارش خود را از سراسر کشور به شاه می‌دادند (زرنگ، ۱۳۸۱: ۲/۲۰۵). بازرسی شاهنشاهی سازمانی برجسته ولی کمتر شناخته‌شده و کمتر قابل درک بود و از ابتدای تأسیس در ۱۳۳۷/م ۱۹۵۸ش این اختیار را داشت که از هر وزارت‌خانه، ساواک و سازمان دولتی کمک بگیرد. رئیس سازمان فقط به شاه جواب پس می‌داد، نه به مجلس یا وزیر. این سازمان بر فعالیت مقامات بلندپایه نظارت می‌کرد و چگونگی جریان داشتن امور را - اینکه همسو با سیاست شاه هستند یا خیر - گزارش می‌داد. این سازمان مجاز بود به همه جا سرکشی و به‌صورت غیررسمی و به آسانی انجام وظیفه کند؛ اگرچه هیچ‌گاه مانند ساواک و ارتش برای خود تبلیغ نکرد (استمیل، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۷). واگذاری این همه اختیارات از سوی شاه به این دلیل بود که سازمان مستقیم زیر نظر او بود و می‌خواست به‌وسیله آن بر اوضاع مسلط شود. گراهام معتقد است:

و کارکنان ارشد آن از بین نظامیان مشهور انتخاب می‌شدند؛ بنابراین سازمان از یک منظر، ماهیتی نظامی داشت و در زمره ارگان‌های نظامی رژیم پهلوی قرار می‌گرفت.

۱. این نهاد در ۱۳۰۸ در زمان ریاست محمد درگاهی بر نظمیته تشکیل شد. رضاشاه به داور دستور داده بود از بین مأموران دولت چند نفر اشخاص بی‌غرض و باوجدان انتخاب کند و هر چند وقت یک‌بار هیئتی از آن اشخاص را برای تفتیش و تحقیق اوضاع مأموران تمام وزارت‌خانه‌ها و رفتار آن‌ها با مردم، به ولایات بفرستد که شکایت مردم را از نزدیک بشنوند و به مرکز گزارش دهند و هر وزارت‌خانه درصدد جبران شکایت‌ها برآید. داور حدود ۸۷ نفر از اعضای وزارت‌خانه‌ها را انتخاب کرد و به‌نام هیئت تفتیش مملکتی، هر چند وقت یک‌بار دسته‌ای مأمور را به یک استان یا ولایت می‌فرستاد (ر.ک: صدر، ۱۳۶۴: ۳۳۲).

از بین سازمان‌های مخلوق محمدرضا شاه، سازمانی که بیش از همه غیرعادی بود، بازرسی شاهنشاهی بود که پایه‌های آن با افزایش نیازهای شخص شاه برای حفظ اریکه خود پیچیده تر شد. به دولت، پلیس، ساواک و نیروهای مسلح و هیچ نهاد دیگری گزارش نمی‌داد و در مقابل آن جواب گو نبود و فقط شاه را می‌شناخت و هیچ نوع کنترلی بر نحوه کاربرد قدرت از طرف این سازمان، جزء میل شاه وجود نداشت (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۷۳).

معتبرترین مدرک درباره وظایف سازمان بازرسی، مجموعه‌ای از اسناد بایگانی در مراکز اسناد و منظم تر از همه، اساس نامه و آیین‌نامه سازمان مذکور است که شامل پنج فصل و هر فصل دارای چند ماده و تبصره است. این دستورالعمل و چارت سازمانی، بعد از تأسیس سازمان برای تعیین وظایف، تشکیلات و قسمت‌های مختلف تنظیم و به ادارات مختلف ارسال شد (سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۶۰/۶۰۵). طبق این اساس نامه، تمام وزارت خانه‌ها، بنگاه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات دولتی موظف بودند سوابق، مدارک و اطلاعات سازمان خود را در اختیار بازرسی شاهنشاهی قرار دهند و زمینه را برای بازرسی و سهولت کار بازرسان فراهم آورند (آیین‌نامه و اساس نامه...، فصل اول، ۲). علاوه بر اساس نامه، سازمان آیین‌نامه اجرایی نیز داشت که شامل چهارده ماده بود. فصل سوم این آیین‌نامه درباره شورای سازمان و هیئت‌های بازرسی در شش ماده و یک تبصره بود. ماده هجده این آیین‌نامه به گوشه‌ای از اختیارات سازمان بازرسی شاهنشاهی اشاره می‌کند؛ از جمله:

امور انتظامی و وزارت کشور، امور فرهنگی و مؤسسات تربیتی و مطبوعات، امور قضایی، امور پزشکی و مؤسسات بهداشتی، امور کشاورزی، امور مالی و دارایی، سازمان برنامه، شرکت نفت و بانک و مخبرات و امور مربوط به ارتباطات، وزارت امور خارجه و... (همان، فصل سوم، ۷-۸).

شکایات علیه مقامات عالی‌رتبه نه تنها از طریق سازکارهای قانونی متعارف، بلکه به وسیله حامیان درباری و نهادهایی همچون سازمان بازرسی شاهنشاهی انجام می‌شد. این

سازمان مرجعی برای رسیدگی به شکایات مردم بود. رسیدگی به دعاوی بر سر مالکیت و رفع اختلافات نیز برعهده این سازمان بود؛ مثلاً در گرگان و گنبد با همکاری اداره مستغلات آنجا، اختلافات را برطرف کرد (مرکز اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۸/۸۸۹۹۰). به زعم میرخلفزاده:

در اثر کوشش‌های ثمربخش و فعالانه بازرسان هنوز یک سال از تأسیس سازمان نگذشته بود که به ۳۹ هزار نامه واصله رسیدگی شد و تعداد ۳۳۶ نفر از مأموران کشوری و لشکری پس از تحقیقات به جرم سهل‌انگاری در کار مردم تحت تعقیب قرار گرفتند و از کار برکنار شدند. تا پایان سال ۳۹ چندین هیئت از مناطق شرق-شمال-جنوب و دیگر نقاط کشور بازرسی به عمل آوردند و از نزدیک با شاکیان تماس گرفتند (میرخلفزاده، ۱۳۵۵: ۳۶۵).

دامنه اختیارات سازمان بسیار وسیع بود. سازمان وظیفه ارزش‌یابی ادارات، شرکت‌ها و مدارس، و نظارت بر امور آموزشی و تحصیل در مقاطع مختلف را برعهده داشت. این اقدامات تلاشی در راستای سلامتی ادارات و انقلاب اداری بود. هدف سازمان از ارزش‌یابی این بود که از نحوه خدمت و کیفیت کار در قسمت‌های مختلف مطلع شود (مرکز اسناد ملی ایران، شماره بازیابی ۱۲/۱/۳۰۲۹۰، شماره سند ۲۹۳/۲۲۰۶۲). این سازمان همچنین واکنش شاه در برابر فساد و ناامنی بود. مینو صمیمی گفته است: «بازرسی شاهنشاهی وظیفه داشت به جست‌وجوی موارد فساد، بی‌لیاقتی و نافرمانی در میان مقامات مسئول کشور پردازد و گزارش بررسی‌های خود را مستقیماً به شاه ارائه دهد» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

مهم‌ترین کارویژه بازرسی نظارت بر ساواک، جلوگیری از دسیسه‌های نظامی و ارائه گزارش‌هایی درباره فعالیت مالی خانواده‌های ثروتمند بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹ الف: ۵۳۷). این سازمان می‌توانست کارمندان دولت را تا رده فرمان‌داران بدون پرسش از وزیر، برکنار کند (سینایی، ۱۳۸۴: ۱۹۵)؛ بنابراین قدرت اجرایی زیادی به سازمان داده شد و شاه دست آن را برای مداخله در هر امری باز گذاشت. این امتیازات سبب شد همه سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها درعین آنکه به کار این سازمان اهمیت می‌دادند، از مداخله‌های بازرسان شاهنشاهی در مواردی که حمل بر اعمال قدرت می‌شد، ناراحت بودند (الموتی، ۱۳۶۹: ۲/

۳۸۹)؛ چون این سازمان برای مداخله در کار ادارات محدودیتی نداشت. با تمام این اوصاف، محمدرضا شاه در صدد بود بازرسی شاهنشاهی بتواند ریشه مشکلات و نواقص را بیابد و آن‌ها را محو کند؛ اما چندی نگذشت که مشخص شد بسیاری از گزارش‌های بازرسی شاهنشاهی عملاً بایگانی می‌شود؛ زیرا به زعم بیل:

شاه چنان مشتاقانه در ژرفای مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر و مشغول بود که دیگر میل و فرصت لازم برای رسیدگی درست به گزارش‌ها و روی دادهای نامطلوب و تزلزل‌آفرین خانگی خود و شکایات و درخواست‌های ملت را نداشت (بیل، ۱۳۷۱: ۲۷۴).

در چنین شرایطی، این سازمان کوچک نمی‌توانست تمام مشکلات را حل کند.

۷. نتیجه

سازمان بازرسی شاهنشاهی بیش از هر چیز بر ایند اوضاع کشور در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. پهلوی دوم برای تثبیت پایه‌های قدرت خود، اطلاع از گوشه و کنار کشور، کشف و سرکوب مخالفت‌های داخلی، شناسایی علل نارضایتی مردم و حذف فساد از ساختار جامعه، به راه‌های مختلف و متعددی متوسل شد و برای تحقق اهداف مذکور با توجه به اوضاع کشور در دهه سی، به تأسیس نهادهای اطلاعاتی و امنیتی اقدام کرد. بازرسی شاهنشاهی یکی از این سازمان‌ها بود که در اواخر این دهه (مهر ۱۳۳۷) تأسیس شد. تا این زمان نهادهای مختلف خبرگیری، بازرسی و سازمان‌های امنیتی از جمله ساواک وجود داشتند؛ ولی او برای نظارت بر دیگر قسمت‌های بوروکراسی روبه‌افزایش به فکر تأسیس سازمانی خصوصی و وابسته به خود افتاد. بازرسی شاهنشاهی به نوعی مکمل نهادهای مشابه قبلی بود و تشکیل آن حکایت از ناکارآمدی این نهادها داشت که مسئولیت خود را به درستی انجام نمی‌دادند. علاوه بر لزوم وجود چنین مکانیسم‌هایی برای اداره مملکت، علت بنیادین تشکیل نهادهای موازی، ترس و بدبینی شاه بود که این امر جدای از تعدد و تکثر نهادهای اطلاعاتی-امنیتی و پیچیدگی کارکرد این نهادها، به علت ضعف ساختاری، فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق و تلاش برای سرکوب مخالفت‌ها، سبب

تحمیل هزینه‌های هنگفت و تداخل وظایف و عدم کارایی مؤثر و دقیق نهادهای کنترلگر بود. گرچه هدف ظاهری و رسمی سازمان، مبارزه با ناکارآمدی اداری و جلوگیری از حیف و میل سرمایه ملی اعلام شد، شاه می‌خواست از آن به‌عنوان مکانیسمی برای نظارت بیشتر و رفع موانع دیکتاتوری استفاده کند. در واقع، تشکیل این سازمان گامی دیگر در امنیتی کردن کشور بود. پهلوی دوم امید زیادی به این سازمان داشت؛ به همین دلیل برای نیل به این اهداف، وظایف و اختیارات نامحدودی به آن محول کرد و ریاست آن را به یکی از نظامیان معتمد، سپهبد مرتضی یزدان‌پناه، سپرد. این سازمان در مقام نظر، اختیار انجام دادن هر کار و مداخله در هر امری را به‌منظور حفظ منافع رژیم دارا بود؛ اما بررسی عمل کرد این سازمان که می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد، نشان می‌دهد که بازرسی شاهنشاهی در تحقق اهداف اصلی محمدرضا شاه چندان موفق نبود و با وجود تمام اقداماتی که بعد از تأسیس تا نیمه اول دهه ۱۳۵۰ انجام داد و گزارش‌های فراوانی به‌وسیله هیئت‌های بازرسی در زمینه‌های مختلف تهیه شد، به سبب فقدان تئوری مشخص نظارت و بازرسی، تداخل وظایف با دیگر نهادها و روشن نبودن حیطه اختیاراتش ناکام ماند و نشانه دیگری از ناکارآمدی نهاد بازرسی در عصر پهلوی بود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹ الف). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۹ ب). *تاریخ مدرن ایران*. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- *آرشیو مرکز اسناد ملی ایران*. ش بازیابی ۲۴۰/۱۵۳۷. ش سند ۲۴۰/۱۵۳۷.
- _____ ش بازیابی ۱۲/۱/۱۹۸۲۶. ش سند ۲۹۳/۱۲۲۵۷.
- _____ ش بازیابی ۹۱/۲۹۳/۲۷۰۱.
- _____ ش بازیابی ۱۲/۱/۵۱۲۷۸. ش سند ۲۹۳/۵۹۰۴۵.

- _____ ش بازیابی بازیابی ۱۲/۱/۳۰۲۹۰. ش سند ۲۹۳/۲۲۰۶۲.
- _____ ش بازیابی ندارد. ش سند ۳۸۰/۱۳۹۲.
- _____ ش بازیابی ندارد. ش سند ۲۶۰/۶۰۵.
- _____ ش بازیابی ندارد. ش سند ۳۴۰/۶۲۱۳.
- _____ ش بازیابی ندارد. ش سند ۲۹۸/۸۸۹۹۰.
- _____ **از ظهور تا سقوط (مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا)** (۱۳۶۶). دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. ج ۱. ۱۳۶۶.
- _____ **اساس نامه و آیین نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی** (۱۳۳۹). بی جا: بی نا.
- _____ استمپل، جان دی. (۱۳۷۷). **درون انقلاب ایران**. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- _____ افراسیابی، بهرام (۱۳۶۴). **ایران و تاریخ (از کودتا تا انقلاب)**. تهران: زرین.
- _____ الموتی، مصطفی (۱۳۶۹). **ایران در عصر پهلوی**. ج ۲: **رضاشاه در تبعید**. ج ۱۰: **آریامهر در اوج قدرت**. لندن: پکا.
- _____ امیرعلایی، شمس الدین (۱۳۶۱). **صعود محمدرضاشاه به قدرت (دیکتاتوری شاه)**. تهران: دهخدا.
- _____ اورنگ، م. (۱۳۴۷). «چشم و گوش مهر یا سازمان بازرسی شاهنشاهی». **ارمغان**. د ۳۷. ش ۵ و ۶.
- _____ بیل، جیمز (۱۳۷۱). **شیر و عقاب**. ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی). تهران: فاخته.
- _____ پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱). **پاسخ به تاریخ**. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: سیمرغ.
- _____ توفیق، ابراهیم (۱۳۸۵). «مدرنیسم و شبه پاترمونیالیسم عصر پهلوی». **جامعه شناسی ایران**. س ۶. ش ۲۵.
- _____ **خواندنیها**. س ۱۹. ش ۸۰. شنبه ۲۲ تیر ۱۳۳۸.
- _____ س ۲۰. ش ۴۶. شنبه ۷ اسفند ۱۳۳۸.

- دادگر، حسن (۱۳۸۲). «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران». *زمانه*. س ۲. ش ۹.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱). *ایران بین دو کودتا*. تهران: سمت.
- *روزنامه اطلاعات*. س ۳۳. ش ۹۷۴۳. چهارشنبه ۳۰ تیر ۱۳۳۷.
- *روزنامه کیهان*. ش ۲۵۹۶. ۳۰ مهر ۱۳۳۷.
- زاهدی، اردشیر (۱۳۸۱). *۲۵ سال در کنار پادشاه: خاطرات اردشیر زاهدی*. تهران: پیام.
- زرننگ، محمد (۱۳۸۱). *تحول نظام قضایی در ایران (از سقوط رضاشاه تا تشکیل دادگاه‌های انقلاب و عمومی)*. ج ۲. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). *تاریخ مردم ایران (قبل از اسلام)*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- سینایی، وحید (۱۳۸۴). *دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران*. تهران: کویر.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۹). *افول مشروطیت (زندگینامه دکتر اقبال)*. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- صدر، محسن (۱۳۶۴). *خاطرات صدرالاشرف*. تهران: وحید.
- صمیمی، مینو (۱۳۹۱). *پشت پرده تخت طاووس*. ترجمه حسین ابوتراییان. تهران: اطلاعات.
- فاروقی، احمد و ژان لورویه (۱۳۵۸). *ایران بر ضد شاه*. ترجمه مهدی نراقی. تهران: امیرکبیر.
- فردوست، حسین (۱۳۸۶). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)*. ویرایش عبدالله شهبازی. ج ۱ و ۲. تهران: اطلاعات.
- فوران، جان (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۲). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.

- گازیوروسکی، مارک ج. (۱۳۷۱). **سیاست خارجی آمریکا و شاه: ایجاد یک حکومت سلطه پذیر در ایران**. ترجمه جمشید زنگنه. با مقدمه غلامرضا نجاتی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- **گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی** (فهرست روزبه روز وقایع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از ۳ اسفند ۱۳۹۹ تا ۱۳۵۵) (۱۳۵۵). ج ۲. نشریه کتابخانه پهلوی.
- گراهام، رابرت (۱۳۵۸). **ایران سراب قدرت**. ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: سحاب کتاب.
- لاینگ، مارگارت (۱۳۷۱). **مصاحبه با شاه**. ترجمه اردشیر روشنگر. تهران: البرز.
- لنگرودی، احمد راسخی (۱۳۸۹). **افسانه اقبال**. تهران: کویر.
- **لوح فشرده مجموعه قوانین مجلس شورای ملی (لوح حق)**. قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مصوب ۳۱ اردیبهشت ۴۷.
- _____ قانون مصوب ۲۹ مهر ۱۳۳۷.
- _____ قانون مصوب ۱۳۰/۱/۲۹۴۱ق.
- **مجموعه تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلی حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران** (۱۳۵۵). ج ۲ و ۵. بی‌جا: بی‌نا.
- **مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی**. دوره ۱۹، جلسه ۲۴۰، ص ۲۴۰، سه شنبه ۱۴ آذر ۱۳۳۷.
- _____ دوره ۲۲، جلسه ۲۹، ص ۲۹، یکشنبه ۸ بهمن ۱۳۴۶.
- میرخلف‌زاده، حسین (۱۳۵۵). **سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران**. تهران: اقبال.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷). **تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله (از کودتا تا انقلاب)**. ج ۱ و ۲. تهران: رسا.
- هلیدی، فرد (۱۳۵۸). **دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران**. ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین. تهران: امیرکبیر.